



من فکر می‌کنم که هم نقدی و هم غیر نقدی با هم باشد. برای افشار خیلی پایین جامعه بایستی سهم هایکسان و متناسب نباشد. باید به گروه هایی که تاحدی مطمئن هستند که این مبالغ در زندگیشان اثری ندارد، ندهند. این کار سختی است چون شناسایی این گروه ها سخت است. بنابر این به همه مردم نباید بپردازند. آنهایی هم که مشمول دریافت می شوند نباید یکسان دریافت کنند. کسانی که طبقات خیلی ضعیف هستند می توانند هم به صورت نقدی دریافت کنند و هم به صورت کمک آموزشی یا درمانی و بیمه ای، برای دوران بازنشستگی به آن ها مبالغ بیشتری پرداخت شود و به کسانی که شرایط بهتری دارند می شود به صورت غیر نقدی در قالب مراقاتهای درمانی و بهداشتی و غیره ارایه شود.

البته برای اجرای درست همین کار با مشکل در شناسایی افراد مواجه هستیم، این که هر فردی جزو کدام یک از دهکهای درآمدی جامعه است، برای حل این مساله چه باید بکنیم؟

این راهکار کوتاه مدت ندارد. مساله ای نیست که کسی برای آن راهکاری نشان دهد. به نظر باید زمانی را در نظر گرفت و یک ثبت نام مجدد برای کسانی که فکر می کنند نیاز به این مهم دارند انجام داد. صرف این که افراد انصراف دهند کارایی ندارد. چون دولت قبل رییس جمهورش هم رفت و ثبت نام کرد و می خواستند که همه ثبت نام کنند تا نظام آماری و اطلاعاتی ما کامل شود الان زمان می خواهد که قاعده را عوض کنیم به طوری که کسانی که متقاضی دریافت یارانه هستند بایند ثبت نام کنند.

که البته مجلس هم همین را در نظر گرفته و برای کسانی که درآمد بالایی داشته باشند جرایمی را منظور کرده است...

بدین ترتیب عده ای کم می شوند و عده ای هم که نباید بیایند ثبت نام می کنند. حالا این که چگونه باید این عده شناسایی و جریمه شوند، باید قانون عملیاتی شود و یک پروسه اجرایی و بوروکراسی زیادی را فراهم می کند که اجتناب ناپذیر است. من فکر می کنم که بایستی هزینه ناشی از آمدن و ثبت نام کردن کسانی را که انصافا نباید بیایند و می آیند، کشور بپذیرد و به هر حال به کسانی که مراجعه می کنند، یارانه پرداخت کند ولی یکسان عمل نکند. افشار خیلی نیازمند تحت پوشش نهادهای حمایتی هستند و تا حد زیادی با درصد خطای کمی قابل شناسایی هستند که بایستی ارقام قابل توجهی به آن ها داده و لی به تمام کسانی که مراجعه می کنند باید ارایه داد.

در همین زمینه دو سیاست وجود دارد، یکی این که برویم به سمت شناسایی دهکهای بالایی درآمدی و یک عده هم معتقدند برویم به سمت شناسایی دهکهای پایین درآمدی، شما طرفدار کدام یک از این دو گروه هستید؟

ببینید هیچ کدام از این دو در شرایط امروز ما عملی نیست. اگر هر کدام عملی باشد من طرفدارش هستم ولی عملی نیست، چرا که ما آمار نداریم. این همه سالها، گذشته است و دولتها می گویند که نمی شود شناسایی کرد چون ساز و کار نظام اداری ما توانمندی برای این کار سخت را ندارد. هر کدام از این دو عملیاتی باشد من طرفدارش هستم و هر دو در اصل یکی است.

این را به آن دلیل گفتیم که برخی از شائبه ها وجود دارد که اگر برویم به سمت شناسایی افشار مر فیه و بخواهیم به حساب های شخصی افراد سر نیزیم ممکن است مشکلاتی داشته باشد و از طرف دیگر محدودیت هایی در شناسایی کامل افشار ضعیف وجود دارد....

ببینید ضایعات این کار فراتر از این چیزهاست. راه حل آن نیز افزایش قیمتها نبود که مجلس و دولت دست به این کار زدند و سوء مدیریت خودشان را با دیگر به تن مردم زدند. راهکارش آسیب شناسی حرکت سه سال گذشته بود و این که با توجه به آن آسیبهایی که وارد شده است چه باید بکنیم.

اتفاقا بفرمایید ادامه مسیر را چگونه طی کنیم، حالا این اتفاقی است که افتاده است، دوست داریم که به عنوان اقتصاد دانی که چند دوره سابقه نمایندگی مجلس را هم دارید نظر تان را بدانیم؟

خانوارهای ایرانی به دلیل تمایل و گرایش به مصرف بیشتر با این پدیده افزایش مصرف مواجه شوند که آمارها نیز همین را نشان می دهد، طی سالهای اخیر مصرف روزانه بنزین روندی افزایشی داشته است و داریم به همان ارقام قبل از هدفمندی می رسیم؟

یعنی شما می فرمایید که اگر قیمت را افزایش بدهیم، مصرف بنزین کاهش می یابد؟

شما معتقدید که منجر به کاهش مصرف نمی شود؟
آمارها این را نشان می دهد [که نمی شود]، من به اتکالی آمارهای شرکت پالایش و پخش فرآورده های نفتی گفتم. **خوب از این بحث بگذریم؛ از طرف دیگر قرار است که ۱۰ هزار میلیارد تومان در سال ۹۳ به بخش تولید اختصاص یابد؛ فکر نمی کنید که این به معنی هدفمندی واقعی باشد، یعنی از یک طرف قیمتها را بیشتر می کنیم و جلوی افزایش مصرف را می گیریم که البته جنابعالی به این بخش اعتقاد ندارید و از طرف دیگر به تولید کمک می کنیم؟**

اگر این اتفاق بیفتد یعنی به تولید کنندگان یارانه داده شود؛ البته باید جامعه هدف آن را نیز مشخص کنیم که چگونه می خواهیم یارانه را در تولید توزیع کنیم. آیا می خواهیم به تناسب تعداد اشتغالی که تولید کننده ایجاد می کند بدهیم یا به کسانی که مصرف سوختشان بالاست و با افزایش قیمت متضرر شده اند و می خواهیم ضرر آن ها را جبران کنیم یا... باید تعریف شود که می خواهیم به چه کسی بدهیم و جامعه هدف را تعیین کنیم. اگر به کسانی بدهیم که از قبل افزایش قیمت انرژی دارند متضرر می شوند و هزینه تولیدشان بالا می رود در صورتی که بتوانیم در ادامه راه مانع از افزایش کالاهای تولیدی توسط آن ها شویم و نگوییم که این کار دخالت در امور آن هاست، این اقدام پرداخت ۱۰ هزار میلیارد تومان به گروه های هدف این چنینی می تواند اقدام مناسبی باشد. البته بهتر این است که مشکل ایجاد نکنیم که بعد راه های جبران آن را بجویم اما حالا که مشکل ایجاد کرده ایم و به هر دلیل فکر می کنیم که اگر این راه را برویم به نفع اقتصاد کشور است، حالا این را باید به جایی بدهیم که هزینه تولید را جبران کند و بعد کسانی مدعی نشوند که دولت نباید در اقتصاد دخالت کند و آنها به هر قیمتی که دلشان خواست کالا را عرضه کنند که در این صورت همان تورمی که عرض کردم به وجود می آید و نسبت پول ملی با دلار به هم می ریزد و سال دیگر باید عده ای بنشینند و بگویند که قیمت دلار فلان قدر شده است بنابر این قاچاق شروع شده است و باید قیمتها را بالا ببریم.

گرچه جنابعالی کلا به هدفمندی انتقاد دارید اما بالاخره این راهی است که رفته ایم و دولتمردان می خواهند برای جبران کاهش قدرت خرید مردم مبالغی را به آنان یارانه بدهند، این یارانه نقدی باشد بهتر است یا غیر نقدی؟

می دانید چه اتفاقی می افتد، شما از یک طرف قیمت را زیاد می کنید و به واسطه آن تولید کم می شود و ارزش پول پایین می آید و مردم لطمه می بینند و از طرف دیگر ارزش پول خارجی به دلیل کاهش ارزش پول ملی، افزایش می یابد و بعد به مردم می گویند به خاطر این سیاست غلطی که باعث شد قیمت دلار بالا برود یک بار دیگر جریمه تان می کنم و قیمت بنزین را به قیمت دلار افزایش یافته حساب می کنم. یعنی شما دارید از مردم مکرر یارانه می گیرید. این که نرخ یک دلار ۱۲۲۶ تومان در ابتدای سال است و در انتهای سال ۲۶۰۰ تومان آن را اعلام می کنید نشان دهنده سوء مدیریت و بدی اداره اقتصاد است، شما مردم را با این کار ضعیف می کنید و به جای درمان زندگی آن ها مجلس و دولت می آیند و قیمت حاملهای انرژی مورد استفاده شان را با قیمت جدید دلار که نتیجه سوء مدیریت اقتصادی بوده است با همین مردم حساب می کنند.

البته باید یکسری عوامل خارجی را هم در نظر بگیریم، بالاخره ما کشوری تحت سخت ترین تحریم ها هستیم و اقتصادمان شرایط خاصی دارد، در این شرایط چاره ای جز این نداریم؟

این که می گویند عوامل خارجی را در نظر بگیرید، می خواهید بگویند که ما محدودیتهایی داریم.

قطعا، مثل تحریم که مانع افزایش تولید می شود و شاید بخشی از عدم افزایش تولید به این مساله باز گردد؟

وقتی که ما تحریم هستیم یعنی این که امکانات، مواد اولیه، ماشین آلات، حتی پول خودمان را نمی توانیم داخل کشور مان کنیم. ۸۵ درصد واردات اقتصاد ما مواد اولیه یا ماشین آلات است که به تولید ارتباط دارد. وقتی که ما تحریم هستیم یعنی نمی توانیم ماده اولیه؛ قطعه و ماشین آلات وارد کنیم یعنی خود تحریم دارد به تولید داخلی لطمه می زند. در شرایطی که تحریم دارد تولید داخلی را لطمه می زند و نمی گذارد در شد کند، آیا عقل می گوید که تصمیم گیران تولید داخلی را هم با گران کردن قیمت انرژی دچار رکود کنند. بدیهی است اگر الاکلنگی هم نگاه کنید اتفاقا چون تحریم از آنجا دارد تخریبی عمل می کند در داخل نباید دنبال افزایش قیمتها رفت که مشکل تولید داخلی را تشدید کند. ما اقتصاد ایران را گذاشته ایم داخل یک گاز انبری که یک تیغه آن تحریم است و یک تیغه دیگر هدفمندی و داریم آن را فشار می دهیم، دقیقا به همان دلیل که می فرمایید تحریم دارد به تولید ضرر می زند باید در داخل طوری مدیریت کنیم که کمتر به تولید ضرر بزند. تازه سه چهار سال قبل این تجربه نشده بود و تصمیم گیران به حرف امثال ما نکردند الان که تجربه شده است...

خوب الان این بیم وجود دارد که اگر قیمتها را افزایش ندهیم ممکن است دوباره برگردیم به شرایط حتی قبل از سهمیه بندی بنزین یعنی شرایطی که